

تبیین و سطح بندی عوامل موثر بر اختلافات مرزی در حوزه خلیج فارس

دکتر محسن جان‌پرور^۱، ریحانه صالح آبادی^۲، مرتضی امانی^۳

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۰/۵

تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۱/۸

چکیده

زمینه و هدف: اختلافات مرزی از جمله مباحثی است که از جایگاه و اهمیت بالایی در مطالعات مرزی و چگونگی کنترل و مدیریت مرزها برخوردار است. شناخت این عوامل و وزن آنها در مناطقی نظیر خلیج فارس که از اهمیت و حساسیت بالایی برخوردار هستند، می‌تواند سبب کاهش اختلافات و دستیابی به منافع ملی و امنیت ملی گردد.

روش: مقاله حاضر با روش توصیفی و تحلیلی با هدف تبیین عوامل موثر بر اختلافات مرزی در حوزه خلیج فارس و سطح‌بندی آن‌ها با استفاده از تکنیک مدلسازی ریاضی ای‌اچ‌پی (AHP) به انجام رسیده است.

یافته‌ها و نتایج: نتایج تحقیق حاضر که بر گرفته از داده‌های کتابخانه‌ای و میدانی است نشان دهنده آن است که ۱۸ عامل نظیر اختلافات ارضی، مسائل مرزی (عدم تحدید حدود، مبهم بودن و...)، موقعیت استراتژیکی و ژئوپلیتیکی منطقه مرزی، منابع مشترک مرزی و بر اختلافات مرزی در حوزه خلیج فارس تأثیر گذار است. در میان این ۱۸ عامل مسائل مرزی، اختلافات ارضی و منابع مشترک مرزی بیشترین وزن را به خود اختصاص داده است و عوامل سن مرز، تکامل مرز، سیستم مدیریتی نامشابه و تعدد همسایگان کمترین وزن را به خود اختصاص داده است. با توجه به وزن عوامل موثر بر اختلافات مرزی می‌توان آنها را در قالب چهار سطح تقسیم‌بندی کرد.

واژگای کلیدی

اختلافات مرزی، مرزهای دریایی، تبیین و سطح بندی، خلیج فارس

۱. استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد؛ (نویسنده مسئول؛ ایمیل: janparvar@um.ac.ir) (Email: janparvar@um.ac.ir)

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا برنامه ریزی شهری

مقدمه

اختلافات مرزی بین کشورهای همجوار از جمله مباحث اصلی مطالعات مرزها است. اختلاف دو کشور همجوار بر سر مرز مشترک از جنبه‌های مختلف مکانی، سرزمینی، عملکردی ... و در سطوح مختلف خرد تا کلان مطرح می‌باشد. مراحل تحدید حدود و علامت گذاری، که معمولاً همراه با قراردادهای مرزی صورت می‌گیرد، هیچ دولتی را از اختلافات مرزی مصون نمی‌دارد به طوری که امروزه کمتر منطقه‌ای را در سطح جهان می‌توان یافت که در آن اختلافات مرزی بین کشورها وجود نداشته باشد. برشمردن این اختلافات مرزی و سرزمینی به صورت دقیق امکان پذیر نیست. به گفته مارتین گلاسنر، تعداد اختلافات مرزی عمده فقط در خشکی‌ها، حدود ۱۰۰ مورد است که اگر جزایر مورد نزاع را نیز به حساب آوریم، تعداد آن بسیار بیشتر خواهد شد. از سوی دیگر، اختلافات مرزی در مورد مرزهای دریایی مقوله‌ای بزرگتر را شامل می‌شود، هر چند این اختلافات عمدتاً با اختلافات مرزی روی خشکی مرتبط اند (گلاسنر، ۲۰۰۴، ص ۸۴). این تعدد اختلافات مرزی در کنار اهمیت و جایگاه برجسته آنها در تعامل بین کشورها و چگونگی اداره و کنترل مرزها و مناطق مرزی کشور سبب شده است که مطالعه اختلافات و منازعات مرزی برای مدت طولانی یک موضوع جذاب پژوهشی برای محققان رشته‌های مختلف جغرافیای سیاسی، حقوق، علوم سیاسی و تاریخ محسوب شود که با نگرش‌های متفاوت به موضوع اختلافات مرزی پردازند (زرقانی، ۱۳۸۶، ص ۲۵). و آن را مورد بررسی و تحلیل قرار دهند. در این میان مطالعه اختلافات مرزی در مرزهای دریایی به ویژه در مناطقی که دارای منابع با ارزش بالا و موقعیت برجسته ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی هستند از جایگاه برجسته‌ای برخوردار می‌باشد. یکی از این مناطق با اهمیت و جایگاه برجسته مرزهای دریایی خلیج فارس است که اختلافات مرزی موجود در آن هر از چند گاهی زمینه چالش‌ها و درگیری‌های متعددی را بین کشورهای همجوار به وجود آورده است و برخی

مواقع زمینه شکل گیری جنگ‌های خونین را نیز فراهم آورده است. بر این اساس، شناخت عوامل موثر بر اختلافات مرزی موجود در این حوزه و سطح بندی این اختلافات مرزی جایگاه برجسته‌ای در مطالعات مرزی دارا می‌باشد به نحوی که می‌توان با این شناخت چالش‌ها و درگیری‌های موجود در این فضا را تا حد قابل ملاحظه‌ای به ویژه برای جمهوری اسلامی ایران که دارای بیشترین تعداد همسایگان و بیشترین طول مرزها در خلیج فارس است، کاهش داده و زمینه کنترل و مدیریت بهتر مرزها در این حوزه جهت دستیابی به منافع ملی و امنیت ملی را برای کشور فراهم آورد.

ادبیات و مبانی نظری

اختلافات مرزی: تحدید حدود و علامت گذاری و قراردادهای مرزی که آن‌ها را همراهی می‌کنند، منابع مشترک مرزی و سایر مسائل مرتبط با مرزها هیچ کشوری را از اختلاف‌های مرزی مصون نمی‌دارند. مرزهای تکامل نیافته به آسانی می‌توانند زمینه منازعه بین کشورها را فراهم آورند (پرسکات^۱، ۱۹۸۷، ص ۸). به صورت عام «اختلافات مرزی» چهار نوع متفاوت از اختلافات مرزی میان کشورها را در بر می‌گیرد. اولین نوع این اختلافات، اختلافات قلمرو خواهی^۲ است که در نتیجه علاقمندی هر کشور به تصاحب بخشی از سرزمین‌های مرزی کشور همسایه ایجاد می‌شود. نوع دوم به مشخص کردن جای دقیق مرز مربوط می‌شود و بیشتر به دلیل عدم توافق در تعبیر اصطلاحات به کار رفته در تعریف مرز در مراحل واگذاری، تعیین حدود یا علامت گذاری به وجود می‌آید و به اختلافات مرزی موقعیتی^۳ موسوم است. دسته سوم از اختلافات مرزی که به اختلافات مرزی کارکردی^۴ موسوم است، به کارکردها و نقش‌های حکومت در مرز مربوط می‌شود. این اختلافات زمانی بروز می‌کند که یکی از طرفین در تقویت سلطه خود بر عبور و مرور

1. Prescott

2. Territorial boundary disputes

3. Positional boundary disputes

4. Functional boundary disputes

از طریق مرز، بیش از حد فعال و یا بیش از حد منفعل است. آخرین نوع اختلافات مرزی، یعنی اختلافات مربوط به بهره‌برداری منابع^۱، به استفاده از منابعی باز می‌گردد که در مسیر مرز قرار دارند، مانند رودخانه‌ها، معادن ذغال سنگ یا ذخایر نفت و گاز (ریبئی و جان-پرور، ۱۳۹۰، ص ۶۱-۶۰).

مرزها دریایی در خلیج فارس: در واقع با پیدایش نفت در خلیج فارس، مسئله سرحدات مرزی آبی و خاکی و حدود قلمرو حاکمیت کشورهای ساحلی مطرح شد و اختلاف‌ها و رقابت‌های سیاسی جنبه ملموس پیدا کرد. قبل از آن دوران، مرزهای سیاسی کشورهای حاشیه خلیج فارس مبهم و نامشخص و حاکمیت آن‌ها بر دریای مجاورشان مقوله‌ای نه در قلمرو حقوق بین‌الملل، بلکه در گرو قدرت و سیاست استعمارگران و بیگانگان بود. در حقیقت قلمرو حاکمیت شیوخ و دولت‌های حاشیه خلیج فارس، محدوده به «مرزهای مصلحتی» با ترسیم خطوط مبهم می‌شد. به زبان دیگر اساس حاکمیت سرزمینی در مفهوم و تعبیر غربی آن مقوله‌ای ناشناخته بود و تنها محدوده استقرار قبیله‌ها ملاک تعیین مرزها محسوب می‌شد، حتی اکثر فرمان‌روایان سنتی این منطقه از تثبیت حدود مرزهای خود گریزان بودند؛ از جمله نقل می‌کنند که ابن سعود با پیشنهاد سرپرسی کاکس در مورد تثبیت مرزها ناخشنود بود. توجیه ساده و بعضاً منطقی این مخالفت این بود که حکمرانان سنت‌گرا و روسای قبایل این منطقه فایده اندکی در ترسیم خطوط مجازی در پهنه کویرها و شنزارها می‌دیدند. آن‌چه در این وادی بی‌آب و علف مهم به حساب می‌آمد، وجود چاه و چشمه آب در واحه‌ای کوچک با چند نخل خرما بود. در جهت مقابل در ناحیه شمالی خلیج فارس، مسئله تحدید حدود مرزی شکل پیشرفته‌تری داشت و قواعد حقوقی - سیاسی حاکم در غرب ناظر بر حدود حاکمیت دولت ایران بر قلمرو خشکی و آبی و جزایر از اعتبار و ملاک خاصی برخوردار بود (کاظمی، ۱۳۷۴، ص ۳-۲). به طوری که، قبل از آن که که کشورهای کنونی جنوبی خلیج فارس بر روی نقشه‌های جهان پیدا

شوند در مناطق شمالی آن ایران، عثمانی، هند و سایر قدرت‌های موجود، بخش زیادی از مرزهای خود را مشخص و محدوده‌های خود را تعیین کرده بودند. اما در کرانه‌های جنوبی خلیج فارس که قدرت‌های خارجی قرن‌ها در آن حضور داشته و به نوعی آن را اداره می‌کردند تعیین مرزها همچنان مبهم و نامشخص بود. از نیمه دوم قرن بیست به تدریج تعیین مرزهای سیاسی اهمیت پیدا کرد و کشورهای منطقه شروع به تعیین مرزهای خود کردند (ریعی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۳).

روش

روش کلی تحقیق حاضر توصیفی-تحلیلی است و برای گردآوری اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای، اینترنتی و میدانی استفاده شده است. هدف تحقیق حاضر تبیین عوامل موثر بر اختلاف مرزی در حوزه خلیج فارس و تعیین وزن آنها می‌باشد. در تحقیق حاضر عوامل موثر بر اختلافات مرزی در حوزه خلیج فارس از داده‌های کتابخانه‌ای و اسنادی استخراج شده است و برای تعیین وزن عوامل موثر بر اختلافات مرزی موجود در خلیج فارس از تکنیک مدلسازی ریاضی ای‌اچ‌پی^۱ استفاده شده است. ای‌اچ‌پی یک روش ساده محاسباتی بر پایه عملیات اصلی روی ماتریس می‌باشد که با ایجاد سلسله مراتب مناسب و پردازش گام به گام و ساخت ماتریس‌های تطبیقی در سطوح مختلف سلسله مراتب محاسبه شده است. ماتریس‌ها در قالب پرسشنامه طراحی شد و در اختیار صاحب‌نظر در حوزه علمی و سه صاحب‌نظر از مسئولین مدیریت مرزهای دریای با حضور محقق جهت پاسخ‌دهی قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل داده‌های پرسشنامه‌ای گردآوری شده از روش ای‌اچ‌پی برای وزن دهی به شاخص‌ها از نرم افزار «اکسپرت چویس» که یک نرم افزار تخصصی برای تجزیه و تحلیل فرآیند سلسله مراتبی می‌باشد، استفاده شده است. جهت نمایش بهتر نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل این نرم افزار، از نرم افزار اکسل ۲۰۱۰ برای طراحی نمودارها استفاده شده است.

1. Analytical Hierarchy Process (AHP)

یافته‌ها

الف) تبیین اختلافات مرزی حوزه خلیج فارس

اختلافات ارضی: هر سرزمین دارای ویژگی‌های خاصی است که آن را ارزشمند می‌کند. این ویژگی‌ها عبارتند از منابع طبیعی، بهره‌وری زمین، جمعیت (گورز و دیل^۱)، (۱۹۹۲)، موقعیت برجسته ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی و غیره. این اهمیت و ارزش سرزمین‌ها به صورت‌های مختلف زمینه اختلاف و درگیری بین حکومت‌ها و دولت‌ها برای دستیابی به این فضاها فراهم کرده است. به نحوی که می‌توان گفت که اختلافات بر سر کنترل و مالکیت سرزمین از مهم‌ترین عوامل معمول مناقشات و جنگ‌ها است (کمپ و هارکاوی، ۱۳۸۳، ص ۱۴۹). سرزمین‌هایی که بیش از دو یا چند کشور یا گروه از افراد ادعای حاکمیت و مالکیت نسبت به آن‌ها در مناطق مرزی دارند را مناطق مورد اختلاف می‌گویند. این سرزمین‌های مورد اختلاف دو کشور در محدوده مرزها سهم قابل توجهی در ایجاد اختلاف و چالش بین دو کشور فراهم می‌آورند و کشورها نسبت به آن از حساسیت بالایی برخوردارند و این حساسیت با ترسیم این مناطق بر روی نقشه‌ها از سوی کشورهای دیگر به نفع خود زمینه بروز چالش و سایر مسائل واگرایی بین دو کشور را تشدید می‌کند (گنو^۲، ۲۰۰۵، ص ۱۲). نگاهی کلی به حوزه خلیج فارس نشان دهنده وجود اختلافات ارضی متعدد بین کشورهای حاشیه آن می‌باشد. که بصورت خلاصه مهم‌ترین اختلافات ارضی را می‌توان در جدول (۱) مشاهده کرد؛ اما عامل مهمتری که اختلافات ارضی بین کشورهای حاشیه‌ای خلیج فارس را برجسته‌تر و با اهمیت‌تر کرده است وجود منابع عظیم نفت و گاز، منابع معدنی و ماهی در خلیج فارس می‌باشد که سبب شده است تنش‌ها و درگیری‌ها بین کشورها جهت کنترل و حاکمیت بر مناطق مورد مناقشه شدیدتر شود.

-
1. Goertz and Diehl
 2. Guo

جدول ۱: مهمترین اختلافات ارضی در خلیج فارس

کشورها	اختلافات ارضی
عربستان - قطر	منطقه ابو الخفوس (خور العدید)؛ جزیره‌ی حالول؛ جزیره‌ی سبرخه مطی
قطر - امارات	خور العدید
عمان - عربستان	تقسیم واحه‌ی بوریمی؛ مناطق "العین" در امارت شارجه و مناطق مرزی "ربع" و "روضه" در امارت راس الخیمه
قطر - بحرین	جزیره حواری
کویت - عربستان	جزایر قار؛ جزایر المرادیم
عراق - کویت	کل کویت بخشی از ایالت بصره‌ی عراق

مسائل مرزی: به اختلافات ایجاد شده بر سر مکان دقیق مرز گفته می‌شود که ممکن است در اثر تفسیرهای گوناگون و بعضاً متضاد از اسناد قانونی یا تغییر مکان مرز طبیعی حاصل شوند. اختلافات ایران و عراق بر سر مرز اروند از نوع اول، و اختلاف ایران و افغانستان بر سر رود هیرمند، و اختلاف نیجر و نیجریه بر سر رود نیجر از نوع دوم است، البته در تقسیم‌بندی دقیق تر می‌توان این مسائل مرزی را به صورت ذیل آورد: دقت کم در تعیین خط مرزی؛ خط میانی در دریاچه‌های داخلی؛ عدم مشخص نمودن خطوط مرزی در بخشی از مرز مشترک؛ تعیین خط مرز به شکل غیر عادلانه و بر خلاف عرف بین الملل؛ وجود ابهام در تشخیص و پیاده نمودن خط مرز بین دو علامت مرزی متوالی؛ بوجود آمدن ابهام بر اثر مرور زمان و تغییرات جوی؛ منطبق بودن خط مرز با عوارض طبیعی و مصنوعی ناپایدار؛ فاصله زیاد برخی از علائم مرزی متوالی (غیر مدرنیزه بودن مرز)؛ عدم دقت لازم در نقشه‌های تهیه شده؛ عدم دقت در پیاده نموده خطوط مرزی بر روی نقشه؛ ناقص بودن و یا عدم دقت در تعیین مختصات برخی از علائم مرزی و غیره (جان‌پرور، ۱۳۹۱، ص ۱۱۰-۱۰۶). این مسائل مرزی در مرزهای دریایی با توجه به سختی تعیین حدود مرزها و جدید بودن آن‌ها بیشتر است. مهم‌ترین این مسائل مرزی در حوزه خلیج فارس در جدول (۲) آورده شده است.

جدول ۲: مهمترین مسائل مرزی در خلیج فارس

کشورها	اختلافات مرزی
عراق- ایران	اروند رود؛ دهانه اروند رود
عراق- کویت	مرزهای خشکی تحمیل شده میان عراق و کویت در سال ۱۹۹۳؛ احداث بندر مبارک توسط کویت؛
کویت- ایران	عدم تعیین نهایی مرزهای دریایی به دلیل اختلافات سرزمینی عراق و کویت
عربستان-امارات	منطقه (واحه العین)، صحرای (الظفره) و خورالعدید

منابع مشترک مرزی: از آن جا که بیشتر مرزهای بین المللی از درون مناطق غنی از نظر منابع طبیعی عبور می کنند این امر سبب شده است که این منابع مشترک به مکان‌هایی برای رقابت و اختلاف بین دو کشور تبدیل شوند. در این میان، منابع مشترک با ارزش بالای اقتصادی همچون نفت و گاز از جایگاه برجسته برخوردار هستند و اغلب نقش مهمی در اختلافات مرزی و سرزمینی پایدار و تنش‌زا بین دو کشور با مرزهای مشترک بازی می‌کنند (میرعباسی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۲). از آن جا که خلیج فارس یکی از غنی‌ترین مناطق جهان از نظر منابع متنوع و گسترده به ویژه نفت و گاز می‌باشد و مرزهای بین کشورها در این خلیج بخشی از این منابع را به صورت مشترک بین دو یا چند کشور مشترک تقسیم کرده است، وجود این منابع مشترک و چگونگی و میزان بهره برداری از آن‌ها اختلافات مرزی بین کشورها در این حوزه را سبب شده است. البته باید توجه داشت منابع مشترک مرزی در خلیج فارس متعدد می‌باشند در این جا به دلیل جلوگیری از اطاله کلام فقط به منابع نفتی - گازی مشترک مرزی که دارای اهمیت بیشتری می‌باشند، و آن هم منابع مشترک مرزی بین ایران با کشورهای همسایه در خلیج فارس به صورت مختصر جدول (۳) اشاره می‌شود و منابع مشترک مرزی دیگر نظیر ماهی‌ها و ... بیان نمی‌شود.

جدول ۳: منابع مشترک مرزی بین ایران و همسایگان در خلیج فارس

نام میدان	مشترک با ...	توضیحات
میدان گازی- نفتی آرش	کویت	این میدان با نفت خام درجای اولیه ۴۵۷ میلیون بشکه در سازند گدوان و گاز درجای اولیه ۵ - ۲۲ میلیارد متر مکعب و ۶ - ۸۳ میلیون بشکه میعانات گازی در سازند فهلیان است.
میدان نفتی اسفندیار	عربستان	میدان اسفندیار دارای ۵۳۲ میلیون بشکه نفت خام درجا می باشد
میدان نفتی فروزان	عربستان	این میدان ۲۳۰۹ میلیون بشکه نفت خام درجا دارد
میادین گازی فرزاد A و B	عربستان	---
میدان گازی - نفتی پارس جنوبی	قطر	مساحت کل میدان گازی مذکور ۹۷۰۰ کیلومتر مربع است که سهم متعلق به ایران ۳۷۰۰ کیلومتر مربع وسعت دارد. ذخیره این بخش از گاز ایران ۱۴ تریلیون متر مکعب گاز به همراه ۱۸ میلیارد بشکه میعانات گازی است که حدود ۹ درصد از کل گاز دنیا و نزدیک به نیمی از ذخایر از کشور را شامل می شود
میدان نفتی - گازی سلمان (ساسان سابق)	امارات متحده	ذخیره نفت خام میدان سلمان ۴۰۷۳ میلیون بشکه و گاز ۵ - ۱۸۳ میلیون متر مکعب گاز درجا است
میدان نفتی - گازی فرزام	امارات متحده	-

وجود این میادین نفتی و گازی مشترک بین ایران و همسایگان در خلیج فارس که دارای اهمیت اقتصادی بالایی می باشند، یکی از مهم ترین عوامل موثر بر اختلافات مرزی خلیج فارس است. بطوری که، در نتیجه افزایش تقاضای نفت و گاز طبیعی، کشورهای حوزه خلیج فارس که دارای میادین مشترک با ایران می باشند (جان پرور، ۱۳۹۱، ص ۱۶۶). با سرمایه گذاری های کلان سعی در افزایش تولید خود از این میادین دارند که این امر عامل ایجاد کشمکش ها و منازعات در بین ایران و همسایگانش در حوزه خلیج فارس و شکل-گیری دیدگاه ها و نگرش های منفی در بین دو دولت و مردم آن ها نسبت به یکدیگر شده است. در نتیجه رقابت و اختلاف برای بهره برداری بیشتر از این میادین و عدم بهره برداری همزمان، ارتباطات سیاسی منطقه را تحت تأثیر قرار می دهد. این مسأله حکم آتش زیر

خاکستر را دارد و هر لحظه احتمال مشتعل شدن آن و بر هم خوردن چرخه نظم در خلیج فارس را فراهم می‌آورد. چرا که این احتمال وجود دارد، رقابت کنونی به مرحله خطر آفرین برسد و مبنای امنیت مشاع کشورهای حوزه خلیج فارس را با چالش اساسی روبرو کند (حشمت‌زاده و غلامی، ۱۳۸۷، ص ۸۳-۸۲). اهمیت این موضوع تا حدی است که، به صورت یک تسهیل‌کننده در بسیاری از امور از جمله اختلافات ارضی و مرزی، نگرش حکومت‌ها و مردم دو کشور به یکدیگر و ... عمل می‌کند. با نگاهی کوتاه به چند دهه گذشته در تاریخ روابط کشورهای حوزه خلیج فارس می‌توان این موضوع را به روشنی دریافت.

اختلافات تاریخی (تحریف نام خلیج فارس): در این نوع از اختلافات میتوان اختلافات تاریخی عمده میان ایران و اعراب را بیان نمود که تحریف نام خلیج فارس از مهم ترین آن‌ها محسوب می‌گردد. پیشینه‌ی تاریخی خلیج فارس که مهم ترین آب راه جهان می‌باشد به حدود ۵ هزارسال پیش بر می‌گردد. بر اساس مدارک باستان‌شناختی نخستین پیوند میان ملت‌ها از طریق این آب راه برقرار شده است. این نام در دهه‌ی ۶۰ میلادی توسط یکی از نمایندگان دولت استعمارگر بریتانیا مقیم در خلیج فارس به نام رودیک اوون که به دنبال توسعه‌ی اهداف کشور خود در منطقه بودند، دچار تحریف شده و خلیج عربی را به جای آن نشاندهند، درحالی که در تمام متون و نقشه‌های قبل از این سال نام خلیج فارس به وضوح موجود است. در اوستا چندین جا از خلیج فارس به نام دریای پوئی یک یا پوئی دیک یا پودیک یاد شده است. از میان مورخان مشهور یونانی نیز نخاوئوس آریانوس که در سده‌ی دوم میلادی می‌زیست در کتاب معروف خود آناکزیس نام این خلیج را پرسیکون کایتاس نوشته است. استرابون نیز از این نام استفاده کرده است (رضوی، ۱۳۹۰، ص ۶۸). در میان مورخان مسلمان نیز محمدبن موسی خوارزمی، ابن خردادبه، ابن فضلان قدامه، یاقوت حموی، حافظ ابرو از دریای جنوبی ایران تحت عناوینی از جمله خلیج فارس، خلیج پارس، دریای فارس، بحرالفارس، بحر فارس نام برده‌اند و البته

در برخی از این منابع به خلیج عربی یا دریای سرخ یا خلیج قلزم بر می خوریم که به اعتبار آن ها میتوان بیان کرد خلیج فارس از ابتدا تاکنون جدا و مشخص از خلیج عربی بوده است و تحریف نام آن در واقع یک توطئه‌ی سیاسی جهت رسیدن به مقاصد ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی از طریق به دست گرفتن منابع عظیم انرژی خلیج فارس از سوی غرب می- باشد (نایب پور و ملکی، ۱۳۸۹، ص ۴۴). برخی از اسناد تاریخی که دال بر فارس بودن این خلیج است عبارتند از: از هزاره‌ی ۴ پیش از میلاد که عیلامی ها اسنادی را در تاریخ باقی گذاشته‌اند از وضعیت جغرافیایی خلیج فارس اطلاعاتی در دست است در آن زمان جنوب غربی خوزستان در کنار دریاچه‌ای از آب شور واقع بوده است. قدیمی ترین قومی که مطالعاتی جدی درباره‌ی زمین را آغاز کردند قوم بابل بود، آثاری که از آنان از ۲ هزار سال پیش باقی مانده است، زمین را صفحه‌ی مسطحی فرض کرده‌اند که محاط در آب شور است که آشوریان نام آن را مرتو آورده اند قدیمی ترین نامی که از خلیج فارس در دست است. سند دیگری که درباره‌ی هویت و اصالت نام خلیج فارس وجو دارد در یکی از مهم ترین متصرفات ایرانی یعنی مصر و در نزدیکی کانال سوئز کشف شده است بر اساس مستندات تاریخی داریوش هخامنشی پس از فتح مصر دستور داد تا ترعه ای بین دریای سرخ و رود نیل حفر کنند که بدین وسیله آب دریای مدیترانه به اقیانوس هند می- ریخت (رازی، ۱۳۳۵، ص ۳۶ و شیرودی، ۱۳۸۲، ص ۴۵-۵۱). این حرکت کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس در طی دهه‌های گذشته به صورت‌های مختلف زمینه برجسته تر شدن اختلافات مرزی در طول مرزهای دریایی در حوزه خلیج فارس را فراهم آورده است.

موقعیت ژئواستراتژیکی و ژئواکونومیکی منطقه مرزی: یکی از شاخص‌هایی که در خلیج فارس بر اختلافات مرزی موثر است موقعیت ژئواستراتژیکی و ژئواکونومیکی منطقه مرزی است. از آن جا که در اختیارگیری و حاکمیت بر منطقه‌ای با اهمیت و ارزش ژئواستراتژیکی و ژئواکونومیکی بالا در وزن ژئوپلیتیکی کشورها در بازیگری در سطح تعامل با سایر کشورها چه در رابطه با کشورهای همسایه و چه در برقراری رابطه با سایر

کشورها در جهان نقش مهمی دارد. قرارگیری این منطقه ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک در منطقه مرزی خواه ناخواه زمینه دستیابی به حل و فصل و کاهش اختلافات مرزی بین کشورهای حوزه خلیج فارس را با مشکل مواجه ساخته است. زیرا کشور دارنده این منطقه ژئواستراتژیک حاضر به دادن و شراکت با کشور همسایه در این منطقه مرزی با موقعیت ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک بالا نیست و سعی می‌کند به هر شکل که هست به تنهایی این منطقه مرزی را حفظ کرده و از طریق اعمال حاکمیت بر آن وزن ژئوپلیتیکی خود را در روابط با کشور همسایه و دیگر کشورها در سطح جهان بالا ببرد و در تعاملات قدرت زمینه برای دستیابی به منافع ملی و امنیت ملی خود را بیشتر فراهم نماید. از سوی دیگر وجود ادعاها و اختلافات ارضی و مرزی در این منطقه می‌تواند به صورت تسهیل‌کننده چالش‌ها و درگیری‌های بین دو طرف را بالا ببرد. از آن جا که خلیج فارس دارای موقعیت ژئواستراتژیکی و ژئواکونومیکی بالایی است و در آن ادعاها و اختلافات ارضی و مرزی متعددی بین همسایگان وجود دارد این موضوع بر اهمیت و تداوم اختلافات مرزی در این حوزه تأثیر گذار بوده است (جان پرور، ۱۳۹۱، ص ۲۷۳).

ساختار روابط ژئوپلیتیک منطقه‌ای: ساختار روابط ژئوپلیتیک منطقه‌ای بین اجراء و دولت‌های نظام، تابعی از جایگاه و منزلت ژئوپلیتیک آن‌ها در منطقه و سطح قدرت ملی آن‌ها نسبت به یکدیگر است. در واقع به لحاظ ثنوری، الگوی روابط درون منطقه بین کشورهای نظام به صورت سلسله مراتب تنظیم می‌شود. دولت یا دولت‌های قدرتمند منطقه، بازیگران یا قدرت‌های سطح اول نظام را تشکیل می‌دهند و سایر کشورها و دولت-ها، بسته به سطح قدرت ملی آنها در سطوح پایین تر قرار می‌گیرند. قدرت تراز اول منطقه با سازوکارهای پیدا و پنهان بر فرآیندها و امور منطقه بیشترین تأثیر و نفوذ را می‌گذارد. روابط سطوح مختلف سلسله مراتب قدرت در نظام منطقه‌ای، در اشکال مختلف همگرایی و واگرایی یا مسالمت آمیز و خصومت آمیز مشاهده شدنی است. برای مثال روابط قدرت تراز اول و دوم معمولاً از نوع رقابت آمیز است که گاهی به صورت ستیزه جویانه توسعه

می‌یابد نظیر روابط خصومت آمیز هند و پاکستان به عنوان قدرت‌های درجه ۱ و ۲ جنوب آسیا (حسین پورپویان، ۱۳۹۰، ص ۶۱). این رقابت در بخش‌های مختلف نظیر رهبری منطقه-ای، مسابقات تسلیحاتی، گسترش تعامل با قدرت‌های منطقه‌ای و غیره اتفاق می‌افتد. بررسی‌ها نشان دهنده آن است که ساختار ژئوپلیتیکی خلیج فارس نیز از این رقابت بین قدرت اول منطقه یعنی ایران و قدرت یا قدرت‌ها در سطح دوم منطقه عربستان سعودی (شورای همکاری خلیج فارس) و عراق در بخش‌های مختلف رهبری منطقه، بالابردن قدرت نظامی و وجود داشته است. این رقابت بین قدرت‌ها در منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس زمینه گسترش و تشدید اختلافات بین کشورهای حوزه خلیج فارس به ویژه اختلافات مرزی را فراهم آورده است. از جمله این رقابت‌های منطقه‌ای شکل گرفته در حوزه خلیج فارس می‌توان به مسابقه تسلیحاتی کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس اشاره کرد که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی استراتژی آمریکا مبنی بر توازن قوا در منطقه و برای جلوگیری از ظهور قدرت برتر زمینه ساز مسابقه‌ی تسلیحاتی در خلیج فارس شد. از دهه‌ی ۹۰ تاکنون کشورهای عربی ده‌ها میلیون دلار برای ساخت ابزار مدرن نظامی جهت بازدارندگی و تهدید همسایگان هزینه کرده‌اند، که مهم‌ترین دلایل آن‌ها ایران هراسی می‌باشد که تحت تاثیر و القاء تفکرات غرب در منطقه پدید آمده است (امیراحمدی، ۱۳۸۴، ص ۱۷۵). در مجموع، تمامی اقدامات صورت گرفته در کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس نسبت به عراق و به ویژه ایران چه به صورت جداگانه و چه در قالب شورای همکاری خلیج فارس نشان دهنده نوعی رقابت منطقه‌ای در حوزه خلیج فارس است که به صورت‌های مختلف بر بروز تشدید اختلافات بین کشورهای حوزه خلیج فارس به صورت عام و اختلافات مرزی به صورت خاص تأثیر مستقیم دارا می‌باشد.

استراتژی امنیتی متعارض: استراتژی امنیتی کشورها از جمله شاخص‌های مهم موثر در حل و فصل اختلافات مرزهای دریایی است. به هر میزان که این استراتژی انتخاب شده از سوی کشورها با استراتژی امنیتی کشور دارای مرز مشترک نزدیک باشد زمینه تعامل و

همکاری بین دو کشور برای حل و فصل اختلافات مرزهای دریایی بیشتر فراهم می شود. از سوی دیگر به هر میزان که استراتژی امنیتی کشورها بر مبنای تعارض، دشمن تلقی کردن کشور مقابل و ... طراحی شود به همان میزان چالش‌ها، درگیری‌ها و نگرش‌های منفی را بین دو کشور گسترش داده و اختلافات مرزی بین دو کشور را برجسته تر می‌سازد. وضعیت این عامل در مرزهای دریایی خلیج فارس بدین صورت است که کشورها استراتژی‌های امنیتی متفاوت و گاه متعارض در پیش گرفته‌اند. این موضوع ناشی از «برداشت‌های متفاوت و متعارض از مقوله امنیت» در این حوزه است. در خلیج فارس به دلیل نبود راهبردهای مشترک امنیتی، گونه گونی ملیت‌ها و قومیت‌ها، ریشه‌دار نبودن کثرت‌گرایی و مهم‌تر از آن روشن نبودن مفاهیم صلح، امنیت و خطر، سبب شده است که همگرایی منطقه‌ای رویایی بیش نباشد و هر یک از کشورها با نگرش خاص خود به تعریف خاصی از امنیت و محیط امنیتی موجود در خلیج فارس بپردازند و استراتژی امنیتی خاص خود را بر اساس این تعریف شکل بدهند. البته در این زمینه حضور و نقش آفرینی نیروهای فرامنطقه‌ای نظیر آمریکا، وضعیت خاص کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس که وابستگی شدیدی به نیروهای فرامنطقه‌ای برای حفظ امنیت چه در محیط داخلی به دلیل عدم مشروعیت داخلی و چه در زمینه امنیت خارجی دارند و ... نیز تأثیرگذار بوده است. این عوامل در کنار یکدیگر زمینه شکل‌گیری دیدگاه‌های متفاوت به امنیت در خلیج فارس را فراهم آورده و زمینه استراتژی‌های امنیتی متفاوت و گاه متعارض را به ویژه بین ایران و کشورهای همسایه در خلیج فارس سبب شده است. این استراتژی‌های امنیتی متفاوت و گاه متعارض به صورت‌های مختلف بر همگرایی و همکاری جهت حل و فصل اختلافات مرزی بین کشورهای حوزه خلیج فارس تأثیرگذار بوده و مانع دستیابی به راهکارهایی جهت حل و فصل اختلافات مرزهای دریایی در خلیج فارس شده (جان‌پرور، ۱۳۹۱، ص ۲۷۷-۲۷۶) و به نوعی آنها را تشدید کرده است.

عملکرد مرزها: به اختلافاتی گفته می‌شود که در مورد نحوه ادره و عملکرد مرزها بین دو کشور بروز می‌کند. مرز به عنوان یک مانع در برابر حرکت انسان‌ها و جابه‌جایی کالاها عمل می‌کند علاوه بر مشکلاتی که در بهره‌برداری از منابع و مدیریت آن‌ها بوجود می‌آورد، گاهی باعث بروز اختلافات بین دو دولت می‌شود. در این زمینه پرسکات می‌گوید: عملکرد مرزها ممکن است که منبعی از کشمکش بین همسایگان باشد. باید در اینجا ذکر شود که عملکرد اصلی مرزهای بین‌المللی مشخص کردن محدوده حاکمیت کشورها است. بنابراین در اینجا عملکردهای مرز به شیوه عمل دولت در مرز بر می‌گردد. پرسکات پیشنهاد می‌کند که درگیری‌های حول عملکرد کشورها افزایش یابد. «زمانی که یک حکومت اعتقاد داشته باشد که بصورت ناسازگارانه و ناعادلانه توسط اعمال دولت همسایه در طول مرز تحت تأثیر قرار گیرد» (پرسکات، ۱۹۸۷، ص ۱۲۲). اختلافات در مورد تشریفات عبور قانونی از مرز از جمله این اختلافات ناشی از عملکرد مرزها است. میزان کنترل اعمال شده در عبور و مرور مرز از کشوری به کشور دیگر فرق می‌کند و اغلب منعکس‌کننده تغییر مناسبات سیاسی بین کشورها است. معطل کردن بیش از حد مسافران، تشریفات سخت و خسته‌کننده، توقف غیر ضروری و یا توقیف اجناس از تکنیک‌های متداول یک دولت برای تنبیه شهروندان دولت همسایه است. متأسفانه، بسیاری از کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا در این زمینه سوء شهرت دارند و بدین ترتیب مانع از کنش متقابل میان مناطق مرزی کشورهای همجوار می‌شوند (درایسدل و بلیک، ۱۳۷۴، ص ۱۲۲). نگاهی به عملکرد مرزی در حوزه خلیج فارس بین کشورهای همسایه نشان‌دهنده این عملکرد نامناسب مرزها است. بعنوان مثال عملکرد مرز بین ایران و عربستان سعودی به یکی از موضوعات پرچالش دستگاه سیاسی خارجی کشورمان در منطقه‌ی خلیج فارس تبدیل شده است. بزرگترین اختلافات در حوزه‌ی عملکردی ایران و عربستان مسئله‌ی حج ایرانیان است. رفتار نامناسب با زائران ایرانی، عدم صادر شدن روادید برای برخی از بانوان ایرانی، انگشت‌نگاری از زنان ایرانی توسط پلیس مرد در عربستان، زندانی کردن ایرانیان به

جرائم مختلف از جمله عبور از برخی مناطق غیر مجاز، حمل زیارت عاشورا و دعای کمیل و در نهایت توهین عربستان به برخی علمای شیعه‌ی ایرانی و غیره (سازمان حج و زیارت کشور، ۱۳۸۸، ص ۲۳). البته لازم به ذکر است که عملکرد مرزی سایر کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس بهتر از مثال بالا نیست. در این زمینه باید به عدم کنترل دقیق مرزها، حمایت از برخی ناامنی‌های ناشی از ورود و خروج افراد غیرقانونی و کالاهای قاچاق مرزی و ... نیز اشاره کرد. با توجه به این مهم می‌توان عملکرد نامناسب در طول مرزهای دریایی خلیج فارس بین کشورهای همسایه را یکی از عوامل موثر در اختلافات مرزی به شمار آورد.

مسائل زیست محیطی: مسائل زیست محیطی از جمله مفاهیم جدید در عرصه جهانی است و در طول دهه‌های گذشته به صورت‌های مختلف کشورها و روابط بین آنها را تحت تأثیر قرار داده و تنش‌ها و درگیری‌هایی را سبب شده است. این موضوع در دریاها به ویژه دریاهای بسته و نیمه بسته که مناطق مرزی دریایی دارای همپوشانی بوده و دارای حاکمیت چند گانه‌ای می‌باشند، از اهمیت و جایگاه برجسته‌تری برخوردار بوده و منافع ملی و امنیت کشورها را تحت تأثیر قرار داده و اختلافات مرزی متعددی در مرزهای دریایی سبب شده است. وضعیت این شاخص در خلیج فارس با توجه به منابع عظیم نفت و گاز، رفت و آمد زیاد کشتی‌ها، رقابت در بهره برداری از منابع مشترک، عدم تفاهم کشورهای حوزه خلیج فارس در زمینه مسائل حمل و نقل نفت و گاز، ورودی کم آب شیرین به خلیج فارس و ... مسائل زیست محیطی متعددی برای کشورهای حوزه خلیج فارس فراهم آورده است و سبب شده است که منافع ملی و امنیت ملی کشورها در خلیج فارس با چالش مواجه گردد و اختلافات مرزی بین آنها تشدید شود (جان‌پرور، ۱۳۹۱، ص ۲۷۳). از جمله مواردی که مسائل زیست محیطی متعددی را سبب شده و اختلافاتی را بین کشورهای حوزه خلیج فارس بوجود آورده است ایجاد جزایر مصنوعی در سواحل جنوبی خلیج فارس است.

مسائل سیاسی: اختلافات سیاسی عبارت است از تعارض منافع و تضاد میان موضوعات حقوق بین الملل در مورد تغییر و اصلاح حق موجود است (ضیائی، ۱۳۶۹، ص ۲۸۲). در بعضی از تعاریف اختلافات سیاسی را به طور کلی اختلافاتی تلقی می کنند که از دیدگاه حقوقی قابل حل نباشد (میرعباسی، ۱۳۷۶، ص ۲۶). ریشه های اختلافات سیاسی را می توان در آداب و رسوم، تاریخ، ساختار حکومت ها و نهادهای ملی و بین المللی دانست، علاوه بر این بخش دیگری از اختلافات در واکنش به تعریف از قدرت بروز می کند. به عنوان مثال ایران و اعراب در یک منطقه قرار گرفته اند که هر کدام نگاه و دیدگاهی نسبت به منطقه، صحنه ی بین الملل، تعریف از استقلال و وابستگی به شرق و غرب دارند. اختلافات ناشی از حضور نیروهای مداخله گر، اختلافات ناشی از رقابت های ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی منطقه ای و جهانی و ضعف و قدرت دولت مرکزی از جمله اختلافات سیاسی مطرح شده در منطقه اند که به صورت های مختلف بر اختلافات مرزی بین کشورها در حوزه خلیج فارس تأثیر می گذارد. از جمله مهم ترین این مسائل سیاسی در حوزه خلیج فارس می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. سیاست های خارجی متعارض کشورهای منطقه: یکی از بنیادی ترین مباحث رفتار شناسی سیاست خارجی کشورها این است که در واقع سیاست خارجی، بازتاب نگاه یک کشور به سایر کشورها است. از دیدگاه سازه انگاری برای درک سیاست خارجی کشورها در کنار ساختارهای مادی باید به ساختارهای معرفتی، ایده ها، هنجارها و اندیشه ها نیز توجه داشت. هویت ها و منافع دولت ها را هنجارها، تعاملات و فرهنگ ها می سازد همین فرایند است که تعامل میان دولت ها را به وجود می آورد (شفیعی و زمانیان، ۱۳۹۰، ص ۱۱۴). با توجه به اینکه، در عرصه جهانی با توجه به روند رو به گسترش وابستگی کشورها به یکدیگر، نیاز رو به افزایش بهره برداری از منابع مشترک، بازیگری فعال در عرصه جهانی، توان تأثیر گذاری بر یکدیگر و ... سبب برخورد بیشتر منافع ملی، وابستگی امنیتی و در بین کشورها شده است و زمینه برای برجسته تر شدن اصول سیاست خارجی کشورها

فراهم آمده است. بر این اساس، داشتن سیاست خارجی متخاصم و چالش‌زا با کشور همسایه بصورت‌های مختلف می‌تواند بر بروز اختلاف به ویژه اختلافات مرزی بین دو کشور تأثیر گذار باشد. نگاهی به سیاست خارجی کشورهای حوزه خلیج فارس نشان دهنده آن است که تعارضات متعددی در سیاست خارجی این کشورها در تعامل با یکدیگر وجود دارد که این خود بر بروز و تشدید اختلافات مرزی بین کشورها تأثیر گذار بوده است. این سیاست خارجی متعارض بصورت کلی عبارتند از:

قطر: این کشور توانسته است با تکیه بر درآمدهای نفتی خود، یک نوع پشتوانه‌ی اقتصادی محکم فراهم سازد و کمتر در سیاست خارجی تغییر رویه دهد.

عربستان سعودی: مبنای سیاست خارجی عربستان بر پایه‌ی حفظ روابط دوستانه با کشورهای سرمایه داری غرب شکل گرفته است. به عبارت دیگر این کشور باید به صورت هم زمان دو نقش متعارض را ایفا کند ۱. رهبری جهان اسلام و عرب ۲. دوست و متحد غرب.

ایران: سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره‌ی اول (۱۹۸۶-۱۹۷۹) در عرصه‌ی منطقه ای بر چهار اصل استوار بود: ۱. مخالفت جدی با حضور رژیم صهیونیستی در منطقه؛ ۲. مخالفت با دیدگاه‌ها و گرایش‌ات اعراب در خلیج فارس؛ ۳. همکاری با اعضای جبهه‌ی پایداری عرب ۴. برقراری رابطه با پاکستان و ترکیه. اما در دوره‌ی دوم (۱۹۸۶-۲۰۰۸) جمهوری اسلامی رویکرد سیاست خارجی خود را بدین طریق تغییر داد: ۱. نزدیکی به کشورهای منطقه، ۲. تنش زدایی و ایجاد زمینه‌های همکاری‌های منطقه‌ای، ۳. برقراری روابط اقتصادی با کشورهای منطقه خصوصاً امارات متحده‌ی عربی، ۴. حل و فصل اختلافات مرزی، ۵. مخالفت با طرح خاورمیانه‌ی بزرگ، ۶. تفهیم این نکته به کشورهای منطقه که ایران تهدید برای اعراب نیست (حاجی یوسفی، ۱۳۸۳، ص ۳۱).

۲. بحران مشروعیت در کشورهای منطقه: رژیم‌های حاکم بر کشورهای عرب منطقه خلیج فارس به اعتراف اکثر قریب به اتفاق کارشناسان سیاسی، رژیم‌های سنتی،

اقتدارگرا، غیر مردمی و غیر دمکراتیک هستند و از مشروعیت لازم در میان مردم خود برخوردار نیستند. حاکمان این کشورها تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، توجه چندانی به این مساله نداشتند. اما پس از وقوع انقلاب اسلامی در ایران بحران مشروعیت به اصلی ترین مشکل این گونه کشورها تبدیل شد. پدیده‌ای که در اولین گام از پیروزی انقلاب در سطح منطقه اشاعه یافت توجه به این نکته بود که رژیم‌هایی که خواهان جلب حمایت خارجی هستند و جهت حفظ قدرت فاقد مشروعیت مردمی و سیاسی هستند. با توجه به بسط چنین نظریه‌ای، کشورهای منطقه خود را بر سر دو راهی خطرناکی می‌دیدند. از یک سو با گسترش تفکر انقلابی و اسلامی در سطح منطقه، رژیم‌های خود را متزلزل می‌دیدند و مجبور بودند به قدرتهای خارجی پناه ببرند و از سوی دیگر توسل به پشتیبانی و حفاظت امنیتی از غرب، بدون تردید مشروعیت آن‌ها را به میزان قابل توجهی کاهش می‌داد. اگرچه بحران کویت با مداخله آمریکا و متحدین غربی‌اش پایان یافت، اما رژیم کویت و نیز سایر رژیم‌های منطقه هیچ‌گاه نخواهند توانست همچون گذشته بر مردم خود حکومت کنند. با پایان اشغال کویت مردم این کشور خواهان افزایش دمکراسی در ساختار سیاسی کشور شدند نیروی سیاسی جدید الزاماً نیروهای سیاسی سنتی را به مبارزه خواهد طلبد و نتیجه این مبارزه در قدم‌های اول، بی‌ثباتی در کشورهای منطقه و نهایتاً سرنگونی رژیم‌های سنتی خواهد بود. این بحران مشروعیت در بین کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس در بین مردم سبب شده است تا این کشورها برای جلب توجه و رضایت مردم تحت حاکمیت خود، دست به اقداماتی نظیر ادعاهای ارضی، دشمن جلوه دادن طرف مقابل به ویژه همسایه شمالی ایران و ... بزنند که هر یک از این اقدامات به نوعی بر اختلافات به ویژه اختلافات مرزی موجود در حوزه خلیج فارس تأثیرگذار است.

حضور و دخالت نیروهای مداخله‌گر: مرزهای دریایی از نظر حقوقی و وضعیت

عبور و مرور به گونه‌ای می‌باشد که زمینه حضور و نقش آفرینی نیروهای فراتر از دو کشور هم مرز را در مناطق مرزی فراهم می‌آورد. از جمله مهم ترین این نیروها که در اینجا

مد نظر می‌باشد کشورها و سازمان‌ها است. حضور و نقش آفرینی این نیروهای مداخله‌گر در مناطق مرزهای دریایی بین دو کشور دارای مرزهای مشترک به صورت‌های مختلف بر روابط بین دو کشور، سیاست‌ها، برنامه‌ها و حتی چگونگی نگرش این کشورها به یکدیگر تأثیر می‌گذارد زیرا کشورها و نیروها برای اینکه بتوانند به اهداف، منافع و خواسته‌های خود در منطقه مرزی دست یابند باید بتوانند جایگاه برجسته و مهمی برای خود دست و پا کرده و زمینه قدرت آفرینی و بازیگری را برای خود فراهم آورند (افشردی و جان‌پرو، ۱۳۹۲، ص ۱۹۹-۱۹۸). این نیروها بر ساختار روابط بین دو کشور تأثیر گذاشته و گاهی به طور عملی آن را تعیین می‌کنند. این نیروها ممکن است مسئول رقابت‌های مذهبی و قومی نباشند ولی قادرند با ترویج رقابت‌های مسلکی، تحمیل رقابت‌های سیاسی خویش بین دو کشور و تشویق ماجراجویی محلی آتش اختلاف را بین دو کشور همسایه را دامن بزنند (کریمی، ۱۳۸۳، ص ۵۴). در این راستا، این نیروها از بهترین و ساده‌ترین راه برای دستیابی به اهداف خود و حضور مستمر در منطقه که سیاست تفرقه‌اندازی می‌باشد و از گذشته‌های دور نیز بصورت‌های مختلف و در ابعاد مختلف مورد استفاده قرار گرفته است، نهایت استفاده را می‌کنند. در این سیاست کشورها و نیروهای بیگانه برای حضور در مناطق مرزی دریایی بین دو کشور همسایه زمینه چالش و درگیری و عدم اعتماد بین دو کشور را فراهم آورده و با نزدیک کردن خود به یکی از طرفین و حمایت از آن در مواقعی و تغییر دیدگاه در مواقع دیگر زمینه حضور و نفوذ خود را در منطقه بصورت پایدار و بدون چالش فراهم می‌آورند. این امر کشورهای دارای مرزهای مشترک دریایی را از یکدیگر دور کرده و زمینه شکل‌گیری تعامل و همکاری جهت حل و فصل اختلافات مرزی، کاهش ناامنی‌ها و ... را تضعیف می‌کند. در این میان، خلیج فارس با توجه به جایگاه برجسته‌ای که از نظر ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی و ژئواکونومیکی دارا می‌باشد از گذشته‌های دور توجه قدرت‌ها و سازمان‌های مختلف را به خود جلب کرده و زمینه نقش آفرینی، بازیگری و مداخله‌گری آنها را فراهم کرده است. این بازیگری و مداخله‌گری به صورت‌های مختلف

بر روابط و تعاملات بین کشورهای همسایه به ویژه بین ایران و همسایگانش در خلیج فارس از طریق دامن زدن به اختلافات ارض و مرزی، تفرقه افکنی و غیره شده است (افشردی و جان پرور، ۱۳۹۲، ص ۲۰۰). به عنوان مثال، نتایج حاصل از رساله‌ی دکتری در دانشگاه تربیت مدرس با عنوان «نقش قدرت منطقه‌ای در حل و فصل منازعات سرزمینی: مورد ایران در منطقه خلیج فارس در دهه ۷۰ میلادی» توسط ربیعی نشان دهنده آن است که حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در منطقه خلیج فارس بر ریشه‌های اختلافات به ویژه اختلافات مرزی اثر مستقیم دارد. حضور نیروی فرامنطقه‌ای در منطقه بر ریشه‌ها و عوامل زیر تأثیر می‌گذارد: تنش‌های مربوط به تأسیس کشور؛ اختلافات مربوط به محل دقیق خط مرز؛ تصرف و تعیین حدود قلمرو توسط یک قدرت خارجی؛ کشتیرانی در رودخانه‌های مرزی؛ منابع مشترک (همان، ص ۲۲۷). بر این اساس حضور و دخالت نیروهای مداخله‌گر را می‌توان یکی از مهمترین و اثرگذارترین عوامل موثر بر اختلافات مرزی در خلیج فارس دانست.

مسائل حقوقی: مناطق مرزی دریایی از نظر حقوقی دارای پیچیدگی‌های گسترده‌ای می‌باشند و سازمان‌های متعددی نیز در این امر دخیل می‌باشند. این گستردگی و برخی ابهاماتی که در آن وجود دارد پیچیدگی‌ها و درگیری‌های متعددی بین کشورهای دارای مرزهای دریایی فراهم آورده است. این پیچیدگی‌های حقوقی در یک بخش از دریا بدین صورت است، حقوق دسترسی عمومی؛ حقوق ماهیگیری؛ حقوق کشتیرانی؛ حقوق بهره‌برداری از مواد معدنی؛ حقوق استفاده از بستر دریا؛ حقوق ساحلی؛ حقوق توسعه؛ حقوق هوانوردی و ...؛ وجود این پیچیدگی‌های حقوقی و برخی ابهامات موجود در آن، تحدید حدود کمتر از ۵۰ درصد مرزهای دریایی در سراسر جهان، همراه با جایگاه و اهمیت بالایی که مناطق دریایی از نظر ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی و ژئواکونومیکی برای کشورها دارا می‌باشند هر از چندگاهی زمینه برخورد و درگیری را بین کشورهای دارای مرزهای دریایی فراهم آورده است. این برخوردها و درگیری‌ها در مناطق دریایی که از نظر

ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی دارای اهمیت بالاتری بوده و محدوده‌های دریایی دو کشور دارای مرزهای مشترک در منطقه دریایی در برخی بخش‌ها دچار همپوشانی هستند مانند خلیج‌ها شدیدتر از سایر بخش‌ها می‌باشد زیرا زمینه تداخل مسائل حقوقی در این مناطق دریایی بین دو کشور دارای مرز مشترک بیشتر می‌باشد (جان‌پرور، ۱۳۹۱، ص ۹۶). این موضوع در مرزهای دریایی در خلیج فارس نیز صادق است زیرا خلیج فارس یک دریایی نیمه بسته است و قواعد و قوانین خاصی در زمینه آن وجود ندارد و بیشتر مسائل جهت حل و فصل اختلافات مرزهای دریایی در آن بر اساس توافق و همکاری طرفین قابل اجرا است و هیچ نوع الزام بین المللی نیز برای برخورد با مسائل و مشکلات موجود در زمینه مرزهای دریایی در خلیج فارس وجود ندارد. یکی دیگر از مسائل حقوقی که مدیریت مرزهای دریایی کشور را در خلیج فارس تحت تأثیر قرار می‌دهد قرار گرفته خلیج فارس به صورت کامل روی فلات قاره می‌باشد، همین امر مسائل و مشکلات ویژه‌ای را بر کشورهای پیرامونی و چگونگی روابط سیاسی آنها تحمیل کرده است (کاظمی، ۱۳۷۴، ص ۵۵)، خطوط کشتی‌رانی بین المللی در خلیج فارس، مسائل حقوقی مربوط به منطقه پرواز روی مرزهای دریایی و ... به صورت‌های مختلف اختلافات مرزی در خلیج فارس را دو چندان کرده است.

مسائل قومی - مذهبی: چالش‌های فرهنگی را می‌توان به دو گروه عمده‌ی عقیدتی و قومی تقسیم نمود. در بعد فرهنگی چالش‌های عقیدتی عمدتاً ناشی از تفکرات مذهبی و ایدئولوژیکی کشورها است به عنوان مثال چالش عمده‌ی فرهنگی ایرانیان و اعراب ناشی از اندیشه‌ی شیعه و سنی و معتزله و اشاعره و ... است زیرا اکثریت قریب به اتفاق ایرانیان شیعه هستند و در مقابل اکثریت اعراب اهل تسنن قرار دارند، این تفاوت‌های مذهبی در ایجاد تعارضات ژئوپلیتیکی در شمال و جنوب خلیج فارس به استثنای افغانستان برای ایران بسیار چالش‌ساز است (کریمی‌پور، ۱۳۷۹، ص ۱۱) از سوی دیگر وجود اقلیت شیعه در کشورها حاشیه جنوبی خلیج فارس (نظیر بحرین و عربستان) و عراق بر تعاملات بین کشورها به

ویژه ایران و سایر کشورهای حوزه خلیج فارس تأثیر گذاشته است و توانسته است بر اختلافات مرزی بین کشورها تأثیر گذاشته آن‌ها را برجسته تر و پررنگتر کند. بعد دیگر اختلافات مربوط به مسائل قومی و نژادی می‌باشد. به عنوان مثال اعراب در طول سالیان دراز خود را برتر از ایرانیان می‌پنداشتند، در مقابل ایرانیان نیز چنین احساسی در خصوص اعراب داشته‌اند که در واقع می‌توان این امر را متأثر از فعالیت‌های احزاب پان عربیسم و ناسیونالیسم قومی در کشورهای عربی و کشور ایران دانست که این امر بر اختلافات قومی- مذهبی دامن می‌زند.

روحیه و شخصیت رهبران کشورها: از ابتدای خلقت تاکنون، انسان به طور فطری در طی حیات خود همواره تلاش کرده است در حد توانایی‌اش، محدودی زندگی خویش را دور از خطر نگهدارد. و از ثروت‌ها و منابع موجود، بیشترین بهره را ببرد. خوی سودطلبی افراد و محدود بودن منابع ثروت‌ها در بستر زمان، سبب برخورد منافع و بروز اختلاف‌ها و تنش‌های فردی و گروهی و وقوع جنگ‌های خونین و ویرانگر شده است (تهامی، ۱۳۸۴، ص ۳۰). اما در این میان شخصیت برخی از افراد و رهبران به گونه‌ای است که اختلافات به ویژه اختلافات مرزی را تا حد قابل توجهی افزایش می‌دهد. بر این اساس می‌توان روحیه و شخصیت رهبران کشورها را به عنوان عامل دیگری که زمینه اختلافات مرزی را به وجود می‌آورد به حساب آورد. در این زمینه می‌توان به هیتلر و صدام اشاره کرد. این افراد با توجه به روحیه زیاده خواهی که داشتند، احساسات ناسیونالیستی مردم را به اندازه‌ای تحریک کردند که زمینه و توان درگیری و خشونت سرزمینی را فراهم آورد (ربیعی و جان‌پرور، ۱۳۹۰، ص ۶۲). حضور این نوع شخصیت‌ها و رهبران در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس نظیر صدام، آل سعود، امیر قطر و ... بر اختلافات مرزی موجود در این حوزه تأثیر قابل توجهی گذاشته است.

تکامل مرز: مرزهای بین‌المللی برای اینکه به تکامل برسند باید مراحل مختلفی را بگذرانند. هر چند گفتنی است که همه مرزها الزاماً همه مراحل برای تکامل را بطور کامل

طی نمی‌کنند. یک مرز تکامل یافته، مرزی است که توسط دو دولت ذیربط به رسمیت شناخته شده، علامت‌گذاری شده باشد و به طور کارآمدی اداره و نگهداری شود (درایسدل و بلیک، ۱۳۷۴، ص ۱۰۱). این مراحل تکامل عبارتند از، مرحله موافقت، مرحله تحدید حدود، مرحله علامت‌گذاری، مرحله کنترل و نگهداری و در آخر نیز مرحله مدیریت مرزها (جان‌پرور، ۱۳۹۱، ص ۱۷). بر این اساس، به هر میزان مرزها مراحل تکامل را گذرانده باشند و اصطلاحاً تکامل یافته‌تر باشند، اختلافات مرزی بین دو طرف دارنده مرزها مشترک کاهش پیدا می‌کند. نگاهی به مرزهای دریایی در حوزه خلیج فارس نشان‌دهنده آن است که مرزها در این حوزه در مراحل اولیه تکامل هستند و این عدم تکامل باعث شده که اختلافات مرزی بین کشورها در زمینه عملکرد مرزها، کنترل مرزها و ... زیاد و شدید باشد.

سن مرز: سن مرز علاوه بر تکامل مرز سبب کاهش اختلافات مرزی می‌شود. زیرا با گذشت زمان از تشکیل مرز دو طرف مرز بصورت‌های مختلف خود را با آن تطبیق می‌دهند، اختلافات، چالش‌ها و درگیری‌های بین دو کشور نیز در طول زمان روند رو به کاهشی پیدا می‌کند و زمینه برای همکاری و روابط حسنه بین دو کشور در طول مرز بیشتر می‌شود. بر این اساس می‌توان گفت بین سن مرز و اختلافات مرزی رابطه معکوسی وجود دارد یعنی با افزایش سن مرز، اختلافات مرزی روند کاهشی پیدا می‌کنند. با نگاهی به تاریخ توافق و تحدید حدود مرزهای دریایی در خلیج فارس مشخص می‌شود که این مرزها داری سن کمی می‌باشند. علت جوان بودن مرزهای دریایی در این منطقه دو عامل می‌باشد:

۱. در طی قرون متمادی تنها قدرت ساحلی خلیج فارس، ایران بود و در موارد زیادی به علت گسترش قلمرو حکومت‌های ایرانی، خلیج فارس به عنوان آب‌های داخلی محسوب می‌گردید و در چنین شرایطی کرانه‌های جنوبی خلیج فارس در حاکمیت ایران بود.

۲. قبایل عرب ساکن در کرانه های جنوبی دارای انسجام سیاسی نبودند و اصولاً حکومتی وجود نداشت تا بتواند با سرزمین و مردم پیوند برقرار کند و بر همین اساس، واحد یا واحدهای سیاسی موجودیت نیافته بودند. برای سال های طولانی تحت سیطره قدرت های استعماری قرار داشتند و به تدریج تا اوایل دهه ۱۹۷۰ استقلال یافتند. اکثر مرزهای منطقه خلیج فارس در خشکی با شتاب در قرن بیستم و با دخالت های قدرت های استعماری به ویژه بریتانیا شکل گرفت. قدیمی ترین مرز آبی در منطقه خلیج فارس، بین ایران و حکومت عثمانی در قرن ۱۹ تعیین گردید. در این قرار داد که از آن به نام قرار داد دوم ارزروم به تاریخ ۳۱ می ۱۸۴۷ یاد می شود، اولین رژیم حقوقی حاکم بر شط العرب را تعیین و تعریف کرد (آقایی، ۱۳۶۷، ص ۸۱). در یک جمع بندی کلی در زمینه سن مرزهای دریایی تحدید حدود شده در خلیج فارس باید بیان کرد که مرزهای دریایی مورد توافق در این حوزه دارای سن کمی می باشند به طوری که قدیمی ترین مرز تحدید حدود شده در این حوزه بین ایران و عربستان سعودی در سال ۱۹۶۸ به امضا رسیده است. بر این اساس، این جدید بودن مرزهای دریایی در خلیج فارس سبب شده است که اختلافات ارضی و مرزی بین کشورها همچنان حل و فصل نشود، سازمان ها و نهادهای مرزی توسعه پیدا نکنند و ... که این امر خود بر اهمیت و تشدید اختلافات مرزی در حوزه خلیج فارس می افزاید.

تعداد همسایگان: ریچاردسن^۱ بیان می کند که با افزایش تعداد همسایگان بر چالش ها و درگیری های مرزی افزوده می شود یعنی به هر میزان که بر تعداد بازیگران در سطح ملی افزوده شود زمینه دستیابی به توافق و همکاری بین این بازیگران ملی پایین تر می آید و اختلافات مرزی چالش زا بیشتر می شود (جان پرور، ۱۳۹۱، ص ۸۹). بر این اساس می توان گفت که میزان اختلاف های مرزی کشورها رابطه مستقیمی با تعداد همسایگان آن ها دارد یعنی تعداد همسایگان کم زمینه شکل گیری اختلاف های مرزی را کاهش و تعداد زیاد همسایگان زمینه شکل گیری اختلاف های مرزی را افزایش می دهد. در حوزه خلیج فارس

هشت کشور حاشیه‌ای وجود دارند که دارای مرزهای دو طرفه و چند طرفه با یکدیگر هستند. وجود این تراکم و تعدد بالای همسایگان هم مرز در حوزه خلیج فارس در کنار یکدیگر که هر یک دارای نگرش و مسائل و مشکلات خاص خود می‌باشند سبب شده است که زمینه برای شکل‌گیری تراکم تهدیدهای مستقیم، بحران‌ها، نگرش‌های متفاوت و گاه متضاد و ... به ویژه نسبت به همسایه شمالی یعنی جمهوری اسلامی ایران که با همه آن‌ها مرزهای مشترکی دارا می‌باشد شده است (همان، ص ۲۱۹) و اختلافات متعددی را به وجود آورده است که اختلافات مرزی بین آن‌ها از اهمیت و جایگاه برجسته‌ای برخوردار است. در این زمینه می‌توان به اختلافات ناشی از دسترسی محدود عراق به ساحل برای همسایگان در حوزه خلیج فارس؛ اختلافات ناشی از اجازه بحرین جهت حضور نیروهای آمریکا در حوزه خلیج فارس و ... اشاره کرد.

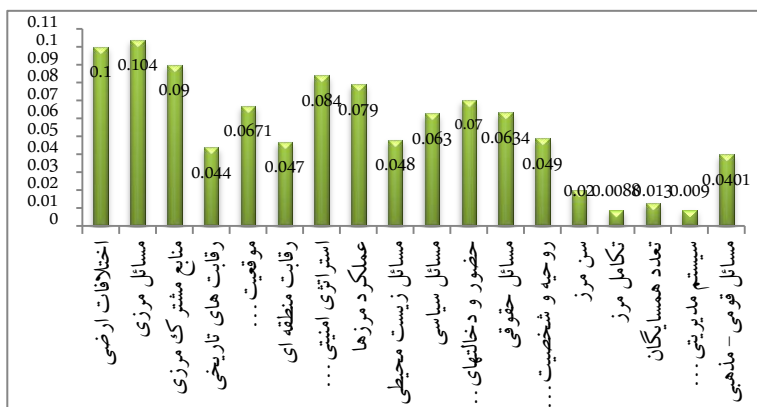
سیستم حکومتی مشابه یا نامشابه: از آن‌جا که مرزها دارای دو طرف هستند دارای دو سیستم متمایز نظارتی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ... می‌باشند که بصورت‌های مختلف بر حل و فصل اختلافات مرزی یا تشدید آن‌ها تأثیر می‌گذارد. بر این اساس به هر میزان بین ساختارهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و ... دو کشور دارای مرزهای مشترک تشابه، هم‌تکمیلی و ... وجود داشته باشد به همان میزان همگرایی و همکاری بین دو کشور بالا می‌رود و زمینه حرکت جهت حل و فصل اختلافات مرزی بالاتر می‌رود. از سوی دیگر اگر کشورهای دارای مرزهای مشترک ساختارهای ناهمگنی از نظر سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... داشته باشند بیم تحت تأثیر قرار گرفتن از طرف مقابل، به چالش کشیده شدن از سوی مقابل، نشر عقاید و افکار ایدئولوژی سیاسی و فرهنگی کشور مقابل در کشور زمینه‌وارگرای بین دو کشور را فراهم می‌آورد و سبب می‌شود که دو کشور به سوی مرزهایی بسته، افزایش ادعاهای مرزی، برجسته‌تر کردن اختلافات مرز و غیره پیش بروند. بررسی‌های صورت گرفته در زمینه ساختار کشورهای حوزه خلیج فارس نشان دهنده آن است که کشورها در این حوزه از نظر تکامل ساختار سیاسی (حکومت قبیله‌ای،

حکومت سرزمینی، حکومت ملت پایه) و نوع ساختار سیاسی (جمهوری، پادشاهی، امیرنشین)؛ ساختار اقتصادی، ساختار اجتماعی، و ... با یکدیگر متفاوت هستند و این ساختارهای متفاوت زمین شکل گیری و تشدید اختلافات را بین آن ها فراهم آورده است و اختلافات ارضی و مرزی بین آن ها را تشدید کرده است (افشردی و جان پرور، ۱۳۹۲، ص ۲۲۰-۲۱۵).

ب) سطح بندی اختلافات مرزی حوزه خلیج فارس

وزن عوامل موثر در اختلافات مرزی در خلیج فارس از طریق تحلیل سلسله مراتبی و با روش مقایسات زوجی AHP مورد بررسی قرار گرفته است. در این روش، برای وزن دهی به شاخص ها نسبت به هم از طریق مجموعه‌ای از محاسبات عددی، در قالب تحلیل سلسله مراتبی با استفاده از اطلاعات ماتریس‌های مقایسات زوجی انجام شده است. لازم به ذکر است که نرخ ناسازگاری بدست آمده در این مقایسات برابر با ۰/۰۲ است. با توجه به اینکه از ۰/۱ کمتر است بر این اساس می‌توان گفت داده‌های جمع آوری شده برای وزن دهی از نرخ سازگاری بالایی برخوردار می‌باشد. نتایج بدست آمده از این طریق در جدول (۴) آورده شده است.

جدول شماره ۴: وزن عوامل موثر بر اختلافات مرزی در حوزه خلیج فارس



بحث و نتیجه گیری

اختلافات مرزی از جمله موضوعاتی است که در مطالعات و پژوهش‌ها در زمینه مرزها جایگاه برجسته‌ای به خود اختصاص داده است زیرا این اختلافات مرزی بین کشورهای دارای مرزهای مشترک مهم‌ترین عاملی است که بر مدیریت و کنترل مرزهای کشور تأثیرگذار بوده و زمینه امنیت و ناامنی در مناطق مرزی کشورها را می‌تواند فراهم آورد. بر این اساس مطالعه و در نظر گرفتن اختلافات مرزی و عواملی که زمینه تشدید آنها بین کشورها می‌شود می‌تواند در دستیابی به امنیت ملی و منافع ملی کشورها چه در طول مرزها و مناطق مرزی و چه در کل کشور از اهمیت بالایی برخوردار باشد. این مهم به ویژه در مناطق مرزی که از جایگاه و اهمیت برجسته ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی، منابع مشترک مرزی و برخوردار می‌باشند دو چندان می‌شود. در این میان مرزهای دریایی در حوزه خلیج فارس با توجه به جایگاه برجسته‌ای که دارا می‌باشد از اهمیت بالایی برخوردار است زیرا هرگونه سهل‌انگاری در این حوزه می‌تواند منافع ملی و امنیت ملی کشور را تا حد قابل توجهی تحت تأثیر قرار دهد. مقاله حاضر جهت شناخت عوامل موثر بر اختلافات مرزی در طول مرزهای دریایی در حوزه خلیج فارس به انجام رسیده است. نتایج حاصل از این تحقیق نشان داد که عوامل موثر بر اختلافات مرزی موجود در خلیج فارس شامل ۱۸ عامل است که با توجه به وزن این عوامل آنها را می‌توان در قالب چهار سطح به صورت شکل (۱) آورد.



شکل ۱: سطح بندی عوامل موثر بر اختلافات مرزی در حوزه خلیج فارس

شناخت عوامل موثر بر اختلافات مرزی در کنار سطح بندی این عوامل این امکان را فراهم می آورد که بتوان مرزهای کشور را به صورت موثرتری کنترل و مدیریت کرد و از سوی دیگر چالش ها و درگیری های مرزی بین کشورهای دارنده مرز را تا حد قابل ملاحظه ای کاهش داد. از سوی دیگر با توجه به اینکه هر مرز دارای مشخصات و ویژگی های خاص خود است بنابراین می تواند دارای عوامل اختلاف زا و چالش زای مرزی ویژه و مختص خود باشد که نسبت به سایر مرزها دارای تمایزات و وزن های متفاوتی است. عوامل موثر بر اختلافات مرزی بیان شده در این تحقیق و وزن آنها مهم ترین عوامل موثر بر اختلافات مرزی حوزه خلیج فارس است و شاید در سایر مرزها بتوان برخی از عوامل را به آن اضافه یا از آن کم کرد و یا اینکه بتوان سطح بندی عوامل را تغییر داد. اما در مجموع باید گفت، شناخت عوامل موثر بر اختلافات مرزی و وزن آن ها جهت کنترل و مدیریت مرزها یک امر ضروری است.

سپاسگذاری: این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی مصوب معاونت پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد است و نویسندگان از حمایت مالی آن معاونت تقدیر و تشکر می‌کنند.

فهرست منابع

- افشردی، محمدحسین و جان‌پرور، محسن (۱۳۹۲). الگوی مدیریت مرزهای سرزمینی مورد پژوهشی خلیج فارس. تهران: انتشارات دانشگاه عالی.
- امیراحمدی، هوشنگ (۱۳۸۴). سیاست خارجی منطقه‌ای ایران (بخش اول). مترجم علیرضا طیب. اطلاعات سیاسی اقتصادی. سال هفتم. شماره ۱۲. صص ۴-۱۳
- تهامی، سیدمجتبی (۱۳۸۴). امنیت ملی، داکترین، سیاست های دفاعی و امنیتی. تهران: انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی ارتشی جمهوری اسلامی ایران.
- جان‌پرور، محسن (۱۳۹۱). تبیین الگوی مدیریت مرز دریایی مورد: خلیج فارس (رساله دکتری). دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- حاجی‌یوسفی، امیر حسین (۱۳۸۳). سیاست خارجی ج.ا. ایران. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- حسین‌پورپویان، رضا (۱۳۹۰). تبیین الگوی روابط در مناطق ژئوپلیتیک مطالعه موردی: شبه قاره هند (رساله دکتری). دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- حشمت‌زاده، محمدباقر و غلامی، بهادر (۱۳۸۷). گاز خلیج فارس: فرصت‌ها و تهدیدات امنیتی. فصلنامه بررسی‌های مسائل اقتصاد انرژی. سال اول. شماره ۲. ۷۰-۹۴. بازیابی از:

<http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage>

- درایسدل، جرالده و بلیک، اچ (۱۳۷۴). جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا. مترجم دره میرحیدر. تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه.
- رازی، عبدالله (۱۳۳۵). تاریخ مفصل ایران از تاسیس سلسله‌ی ماد تا عصر حاضر. تهران، چاپ دوم، انتشارات اقبال.
- ربیعی، حسین (۱۳۸۸). نقش قدرت‌های منطقه‌ای در حل و فصل منازعات سرزمینی مورد: ایران در منطقه خلیج فارس در دهه ۷۰ میلادی (رساله دکتری). دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- ربیعی، حسین و جان‌پرور، محسن (۱۳۹۰). «بازنمایی مدل تحلیلی برای حل و فصل اختلاف‌ها و منازعات سرزمینی». فصلنامه مطالعات راهبردی. سال چهارم. شماره چهارم. شماره مسلسل ۵۴. صص ۵۵-۷۸.
- رضوی، مسعود (۱۳۹۰). تلاطم تاریخی در دریای پارس. کتاب ماه تاریخ و جغرافیا. شماره ۱۵۵. صص ۶۸-۷۱.
- زرقانی، سیدهادی (۱۳۸۶). مقدمه‌ای بر شناخت مرزهای بین المللی. تهران: دانشگاه علوم انتظامی ناجا.
- شفیع‌ی، نوذر و زمانیان، روح‌ا.. (۱۳۹۰). مفهوم سیاست خارجی از دیدگاه نظریه‌ها (واقع‌گرایی، لیبرالیسم و سازه‌نگاری). اطلاعات سیاسی اقتصادی. شماره‌ی ۲۸۵. صص ۱۱۴-۱۲۹.
- شیروودی، مرتضی (۱۳۸۲). نام خلیج فارس در برخی از اسناد تاریخی. میان رشته ای مجله اندیشه. شماره ۲۷. صص ۴۵-۵۱.
- ضیائی، محمدرضا (۱۳۶۹). حقوق بین الملل عمومی. تهران: انتشارات گلشن.
- کمپ، جفری و هارکاو، رابرت (۱۳۸۳). جغرافیای استراتژیک خاورمیانه. مترجم سیدمهدی حسینی‌متین. تهران: انتشارات پژوهشگده مطالعات راهبردی.

- کاظمی، سید علی اصغر (۱۳۷۴). ابعاد حقوقی حاکمیتی ایران در خلیج فارس. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- کرمی، جهانگیر (۱۳۸۰). تأثیر محیط امنیت منطقه‌ای بر سیاست دفاعی دولت‌ها. فصلنامه سیاست دفاعی. شماره ۳۴. صص ۴۷-۷۲.
- کریمی پور، یدالله (۱۳۷۹). مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان (منبع تنش و تهدید). کرج: انتشارات جهاد دانشگاهی واحد تربیت معلم.
- مایل افشار، فرحناز و عزتی، عزت ا... (۱۳۸۹). تحلیلی بر نقش قدرتهای مداخله‌گر در خلیج فارس و تأثیر آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه جغرافیایی سرزمین. سال هفتم، شماره ۲۶. صص ۵۳-۷۶.
- میرعباسی، سیدباقر (۱۳۷۶). حقوق بین الملل عمومی. (جلد ۲). تهران: انتشارات دادگستر.
- میرعباسی، سیدباقر و جهانی، فرخزاد (۱۳۹۰). رژیم حقوقی بهره برداری از میادین مشترک نفت و گاز در خلیج فارس از منظر حقوق بین الملل. فصلنامه راهبرد. شماره ۶۱. صص ۹۱-۱۲۲.
- نایب پور، محمد و ملکی، لقمان (۱۳۸۹). جغرافیای تاریخی خلیج فارس. کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۴۸. صص ۴۴-۵۵.
- Geo, Rongxing (2005). Cross-Border Resource Management Theory and Practice. ELSEVIER. London.
- Glassner, martin ira. & fahrer chuck. (2004). Political geography .usa: johnwiley&sons inc.
- Goertz, G. and Diehl, P. (1992), Territorial Changes and International Conflict, Routledge, London.
- International Boundaries Research Unit (IBRU). (2005) Management Matters. Issue 5. University of Durham. UK.
- Perscott, J.V. (1987). political frontiers & boundaries. London
- www.irane7000saale.com